

مولفه‌ها و ویژگی‌های ساختار شهری مدینه در عصر پیامبر(ص)

اصغر قائدان^۱

(دریافت مقاله: ۹۶/۰۹/۱۰ - پذیرش نهایی: ۹۷/۰۲/۰۲)

چکیده

با ورود پیامبر(ص) و مهاجران به یثرب و با ساخت مسجد جامعی که محوریتی توأمان دینی و سیاسی داشت و برپایی خانه‌هایی ساده برای خود و مهاجران در کنار آن، که ساکنانش را با این مرکز مذهبی مانوس سازد، آن حضرت کوشیدند تا آموزه‌های دینی را در طراحی فضای شهری و معماری بناها و نیز مناسبات اجتماعی بکار برند. در سایه انعقاد عهدنامه مدنی، ساکنان شهر بویژه یهودیان را در بعد حقوق شهروندی و در سایه پیمان مواخاه، مسلمانان را در بعد ایمانی با یکدیگر متحد ساخت و با وقف اماکن مفرحی مثل حش یا بوستان، چاهها و آبها و مراتعی برای اسبان، بهره‌گیری از امکانات عمومی را برای همه شهروندان فراهم ساخت. بنابراین، یثرب با مولفه‌هایی که در ساختار شهری آن ایجاد شد و سبک ساده معماری آن همراه با پرهیز از هرگونه تجمل و تفاخر طبقاتی، به یک شهر اسلامی با مبانی توحیدی و آرمانی تبدیل شد و البته توجه همزمان به اختصاص امکانات و رفاه عمومی شهروندان، حکایت از پیوند بین جنبه‌های دنیوی و معنوی آن شهر داشت.

کلمات کلیدی: مدینه، یثرب، پیامبر اکرم(ص)، معماری، شهر اسلامی، مسجدالنبی(ص)

مقدمه

پدیده شهرنشینی در میان عربها به یک سده پیش از ظهور اسلام بر می‌گردد که مسیر جاده‌های کاروان رو تغییر یافت و شهرها و شهرک‌های تازه‌ای در آن مسیرها پدیدار شدند و بیابان نشینان جذب آن گشتند. از آن هنگام زندگی اجتماعی عرب تا ظهور اسلام در دو بخش صحرائشین و شهرنشین تداوم یافت. این شهرنشینان جدید با الهام از طبیعت پیرامونی خویش در صحرا به ساختن خانه‌هایی از گل و خشت و چوب و نخل پرداختند، خانه‌هایی که بتواند آنان را از گرمای سوزان، بارانهای سیل آسا و نیز سرما و دشمن حفظ کند و بر این اساس نوعی از تکامل در زندگی اجتماعی عرب صحرائشین، که هم اینک شهرنشین شده بودند پدیدار شد که مهمترین جلوه آن در معماری شهری نمود یافت. یکی از این شهرها یثرب بود که به ویژه با حضور پیامبر به تدریج تغییراتی را پذیرا شد. در این تحقیق با بررسی منابع اصلی تاریخی و جغرافیایی و نیز تواریخ محلی به توصیف نوع معماری و نیز مصالح و ابزارها، سبک ساخت، نگاه رسول خدا(ص) به مدینه به عنوان شهر اسلامی و ویژگی‌ها و شاخصه این شهر خواهیم پرداخت.

۱- توپوگرافی و جغرافیای انسانی شهر یثرب

جغرافی دانان اسلامی شهر یثرب را جزو «حجاز» و آن را در تقسیمات جغرافیایی خود در اقلیم دوم قرار داده‌اند. طول آن ۶۰ درجه و عرض آن ۲۰ درجه، که در شمال غربی شبه جزیره و شمال مکه مکرمه واقع شده است (حموی، ج ۵، ص ۸۲). این شهر از سه جهت یعنی غرب، شرق و جنوب به وسیله «حرّه‌ها»^۱ محاصره شده که از مسجد ذوقبلتین به سوی جنوب و سپس به سوی شرق و شمال امتداد می‌یابد. در متون جغرافیایی آن‌ها را حرّه واقم (شرقی) و حرّه غربی (الوبره) خوانده‌اند (حمیری، ۱ / ۱۹۲؛ عاتق بن غیث، ۱ / ۱۱۴)، در حالی که آن دو حرّه یکی هستند، بدین گونه که به صورت هلالی، شرق، جنوب و غرب شهر را به صورت پیوسته احاطه کرده و تنها سمت شمال مدینه در محاصره آن قرار ندارد و در حقیقت همچون حفاظی مدینه را در محاصره خود قرار داده است.

یثرب به وسیله چند کوه نیز محاصره شده است، کوه احد در شمال، که مشرف بر نخلستانها و مزارع و چاه‌های آب فراوان است (ادریسی، ۱ / ۴۳). کوه عیر در جنوب و

۱. «حرّه» به معنای «سنگلاخ» است که این زمین‌ها به علت وجود سنگ‌های آتشفشانی غیر قابل نفوذ بوده است (ابن منظور، ماده حرّه).

کوه جماوات در غرب. این شهر برخلاف مکه از کم آبی رنج نمی‌برد و در منطقه حجاز، پس از طائف، مطلوب‌ترین آب و هوا و مناسب‌ترین زمین را برای کشاورزی دارد. اراضی زراعی آن در جنوب شهر، بویژه در منطقه قبا واقع شده و بیشتر آن را باغ‌ها، نخلستان‌ها فرا گرفته است (مقدسی، ۱ / ۴۱۵). در این شهر سه وادی یا دره وجود داشت که آب شهر را برای کشاورزی و آبیاری زمین فراهم می‌سازد: عقیق، بطحان و قناه و البته وادی مهزور و مزینب که قریه قبا و نخلستان‌های بنی نضیر و بنی قریظه را در جنوب مدینه مشروب می‌ساختند (بکری، ۱ / ۴۱۴؛ سعید بن سلام، ۱۳). علاوه بر اینها منابع آب‌های زیر زمینی فراوان باعث حفر چاه‌های متعددی شده بود. به سبب همین حاصلخیزی یثرب، عده‌ای از فرزندان یعرب بن قحطان، یعنی قبایل اوس و خزرج، که به کار کشاورزی مشغول بودند، پس از آن که خداوند با فرستادن «سیل العرم»^۱، سد آنان، یعنی مارب را در هم شکست، ناچار به مهاجرت از جنوب شبه جزیره عربستان به این شهر شدند (بکری، ۱ / ۴۱۵؛ حمیری، ۱ / ۴۰۱). برخی گفته‌اند نخستین کسانی که در این شهر به زراعت پرداختند و به کاشت نخل روی آوردند عمالیق از فرزندان نوح بودند (حموی، ۵ / ۸۲). علاوه بر آنان یهودیان نیز در طی چندین مهاجرت از منطقه بابل و کنعان به این منطقه آمده بودند. آنان چون در سرزمین خود خانه‌های مستحکمی از سنگ می‌ساختند در یثرب نیز قلاع و خانه‌های خود را به همان گونه ساختند، که به آنها «أطم» می‌گفتند (حمیری، ۱ / ۶۱۶؛ بکری، ۱ / ۴۱۵).

قبیله بنی نضیر نیز در نزدیکی قبای آن روز ساکن و به کار کشاورزی مشغول گردیدند و نخلستان‌های زیادی را پدید آوردند و اقتصاد زراعی یثرب را در اختیار خود گرفتند.^۲ قبیله بنی قینقاع نیز در منطقه «الصاغه» در نزدیکی قبا فرود آمدند. منازل عالی و زیبای آنان در شمال غربی «مدشونیه»^۳ ساخته شد.

۲- هجرت رسول خدا(ص) به یثرب و تحول در ساختار شهر

۲-۱. انتخاب نامی زیبا و پسندیده برای شهر

با هجرت رسول خدا(ص) به یثرب تحولات قابل توجهی در ویژگی‌ها و مؤلفه‌های

۱. فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرَمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ أَكْلِ خَمَطٍ وَأَثَلٍ وَشِئٍ مِّنْ سِدرٍ قَلِيلٍ (سبا: ۱۶).

۲. امروزه آثار قلاع و نخلستانهای آنان در دو سوی شارع امیر عبدالمحسن همچنان موجود است.

۳. «مدشونیه» تا امروز به همین نام معروف و نام باغهایی در شارع قربان کنونی است.

شهرنشینی به وقوع پیوست. نخستین گام، تغییر نام ناپسند و انتخاب نام زیبا و زیننده‌ای برای آن بود. یکی از بدیهی‌ترین ویژگی شهر اسلامی تسمیه و صفتی متناسب با دین اسلام است. این شهر را در عصر جاهلیت «یثرب» می‌خواندند که در لغت از «ثرب» به معنای فساد و تباهی گرفته شده است. وقتی گفته می‌شود «ثرب علینا فلان»، یعنی آن فرد بر ما افساد کرد. ابن فارس گوید یثرب برگرفته از تثریب است به معنای سرزنش کردن و تقبیح عمل در چشم انجام دهنده آن، زیرا خداوند عزوجل (از زبان یوسف خطاب به برادرانش، در برابر پشیمانی و افسوس آنان از عملکرد خود) می‌فرماید: «... لا تثریب علیکم الیوم..» (یوسف/ ۹۲؛ ابن فارس، ۱/ ۳۵۷). عنوان یثرب در قرآن هم آمده است (احزاب/ ۳۳)

البته به گفته برخی از جغرافی دانان، این نام از نخستین ساکن آن یعنی یثرب بن قانیه از بنی ارم بن سام بن نوح نیز برگرفته شده است (بکری، ۴/ ۱۳۸۹). چون پیامبر(ص) به این شهر هجرت کردند پس از چندی نام آن را به «طیبه» و «طابه»، به معنای پاکیزه تغییر دادند و آن هنگامی بود که از غزوه تبوک برمی‌گشتند و با دیدن کوه احد فرمودند: «هذه طابه و هذا احد و هو جبل یحبنا و نحبه» (بخاری، ۳/ ۲۱؛ حمیری، ۱/ ۱۳) و بر این اساس آن را «طابه» نام نهادند (ابن وردی، ۱/ ۱۴۸، ابن شمائل قطیعی، ۵/).

از جابر بن سمره نقل شده که از رسول خدا(ص) شنیدم می‌فرمود: «ان الله سمی الطابه» (ابن شبه، ۱/ ۱۳۸). ایشان از آن پس کراهت داشتند کسی آن را یثرب بخواند و به کسی که آن را چنین می‌خواند توصیه می‌کردند باید استغفار کند (ابو حاتم رازی، ۳۱۳/۹). مسلمانان هم به تبعیت از خواسته رسول خدا(ص) و انتساب این شهر به ایشان، آن را «مدینه النبی(ص)» و «طابه» خواندند. نام مدینه، بدون انتساب به آن حضرت در قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته است (منافقون / ۸) و نیز در آیه دیگری هم از مدینه به عنوان شهری که منافقان در آن با بادیه نشینان منافق در خارج از شهر پیوند و ارتباط برقرار کرده‌اند یاد شده است (توبه / ۱۰۱). شایان گفتن است نام مدینه در گذشته به ناحیه‌ای کوچک از یثرب اطلاق می‌شده است (ابن جوزی، ۲/ ۲۳۹).

۲-۲. ساخت مسجد

رسول خدا(ص) در گام دوم کوشیدند تا این شهر را به یک شهر اسلامی تبدیل کنند، به گونه‌ای که بتواند محوریتی دینی و مذهبی برای حاکمیت جدید گردد. مسجد، نمادی

است که قابلیت چنین جایگاهی را دارد بویژه آنکه در شهری با باورهای غیر توحیدی ساخته شود تا هم مکانی برای عبادت و همدلی مسلمانان و اتحاد و اجتماع مدنی آنان باشد و هم محلی برای حاکمیت و اعمال سیاست.

مسجد، به عبارتی عبادتگاه مسلمانان، در اعصار مختلف تحولی چشمگیر در معماری و شهر نشینی ایجاد کرده است. بر اثر آموزه‌های دینی که خداوند سازندگان و آباد کنندگان مساجد را ستوده و به آنان دستور داده است «یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱) و در آیه دیگری: «أَتَمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ...» (توبه/۱۸)، مومنان، هدایت شدگانی نامیده شده‌اند که همواره کوشیده‌اند تا این مکان مهم را به بهترین وجه آباد و برپا سازند.

به گفته اگوست شوازی «مسجد فی نفسه مکانی است که پیروان دین در صف‌های طویل (در عرض) می‌ایستند و نگاه خود را به سوی قبله معطوف می‌دارند، مسجد مثل کلیسا یک سالن اجتماع است با این تفاوت که این سالن، محور بزرگ آن در عرض جهت‌یابی شده است. این سالن به جای آن که در عمق یا طول توسعه یابد در عرض گسترش می‌یابد و این حالت سوای اختلاف سبکها، حالتی به مجموعه می‌دهد که آن را از بناهای مسیحی متمایز می‌سازد» (شوازی، / ۱۷۵). بر همین اساس است که عرض مسجدی که رسول خدا(ص) ساخت نیز بیشتر از طول آن بود. (ابن قیم جوزی، ۲ / ۱۴۴؛ ابن نجار، / ۱۶۷).

مسجدی که به صورتی بسیار ساده ساخته شد، چون نگین انگشتری، در میان شهر می‌درخشید و به ویژه خانه رسول خدا(ص) در کنار آن و نیز ساخت خانه‌های صحابه پیرامون آن، شکل و ماهیت شهر یثرب را دگرگون می‌ساخت. این مکان غیر از عبادت، نقشی دو گانه داشت، با کارکردهای متنوعی چون محل شورا، قضاوت، تقسیم بیت المال، مداوا کردن مجروحان جنگ، ملاقات با گروهها و وفود، عقد پیمان‌های سیاسی و اقتصادی و به عبارتی دارالحکومه مسلمانان بود. به گفته هیلن براند: «مساجد بعدها به لحاظ نظری وفاداری به این هر دو جنبه را حفظ کردند و فقدان نهادهای رسمی در دنیای اسلامی، با فقدان متقابل بناهای رسمی عمومی نظیر تالار شهر و یا محاکم، به نقش دو گانه مسجد اهمیت بیشتری بخشید، بدین ترتیب طی فراگردی طبیعی به مرکز جامعه اعتقادی جدید تبدیل می‌شد» (هیلن برند، / ۴۱).

مدینه با این رویکرد به شهری متفاوت از گذشته، که مسجد نسبتاً ساده آن در مرکز شهر همه نگاه‌ها را به خود معطوف می‌ساخت و مردم را به هنگام نماز به سوی خود فرا می‌خواند تبدیل شد. این نقطه ثقل و دایره شهر اسلامی است. این مسجد به عبارت قرآنی، اولین مسجدی است که در اسلام، به دست پیامبر (ص) در اولین روزهای هجرت بنا نهاده شد «لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه...» (توبه / ۱۰۸). در ساخت این مسجد، که نخستین تجربه جمعی ساکنان شهر در معماری به حساب می‌آید، همه صحابه اعم از مهاجر و انصار، زنان و حتی شخص پیامبر (ص) دخیل و سهیم بودند. چون این مکان برای همه بنا می‌شد (ابن سعد، ۲۳۹/۱). رسول خدا(ص) در حقیقت طراح مسجد و به عبارتی ناظر و همکار در معماری آن محسوب می‌شوند، زیرا ایشان با دستان مبارک خطی به صورت مستطیل بر روی زمین کشیدند و حدود آن را تعیین کردند. با یک نیزه و دو خط، فضا به مکانی برای زندگی (خانه ایشان در کنار مسجد) و نیز عبادت تقسیم شد.

به سرعت دیوارها از لَبَن غیر قابل احتراق (خشت‌های نسوز) بر پا شد (لمعی، ص ۲۰۰) رسول خدا(ص) نیز شخصا خشت و سنگ را منتقل و تا کنار دیوارها می‌آوردند. در این حال صحابه اشعاری می‌خواندند و پیامبر(ص) نیز با آنان همصدا می‌شدند (ابن هشام، ۴۹۶/۱؛ ابن قیم جوزی، ۱۴۴/۲). در این حال صحابه اموالی را جمع و به پیامبر(ص) تقدیم کردند که با آن مسجد را تزئین و مسقف کنند و گفتند تا کی می‌خواهید زیر این شاخه‌های نخل بنشینید؟ آنان از رسول خدا(ص) پرسیدند آیا آن را همانند عبادتگاه‌های شام مسقف نکنیم؟ آن حضرت شاخه‌هایی از نخل بر گرفتند و فرمودند: «مابی رغبه عن اخی موسی، ابنو الی عریشا کعریش موسی، ثمامات و خشبات و ظلله کظلة موسی» [تمایلی ندارم از برادرم موسی فراتر روم برای من سایبانی چون موسی از شاخه‌های نخل و چوب ثمام (گیاهی در بادیه) و پوسته درختان بنا کنید]. از حسن (ع) پرسیدند: «وما عریش موسی؟ قال: کان اذا اقام اصاب رأسه سقف» (بیهقی، ۵۴۴/۲).

این سخن پیامبر (ص) حکایت از سادگی بنا و معماری مسجد دارد، مسجدی که فاقد هر گونه تزئینات اضافی و غیر ضروری است و حتی فاقد مناره برای اذان و گنبد برای سقف، محراب و منبر برای نماز و خطابت. بلال بر روی دیوار خانه عبدالله بن عمر بن خطاب، که به مسجد چسبیده بود اذان می‌گفت و رسول خدا(ص) و به جای منبر به تنه نخلی تکیه داده و خطبه می‌خواندند. نکته دیگر آن که به کار نبردن آجر و خشت

در سقف و استفاده از برگها و شاخه‌های نخل خرما می‌توانست نور لازم را برای فضا فراهم سازد و آن را روشن کند و علاوه بر آن به سبب وزش باد، هوای مطبوع را داخل فضا به جریان در آورد و باعث خنکی محل اقامه نماز گردد. برای برافراشتن سقف، حدود یازده ستون از تنه نخل برپا شد (سمهودی ۱/۴۵۰، ۴۴۰). تعدادی از این ستون‌ها پس از چندی یادآور خاطره‌های مهمی از دوران پیامبر (ص) گردید و هر یک نامی به خود گرفت که هم اینک پس از ۱۴ قرن، البته با بازسازی‌هایی استوار و نام‌های آنها بر فرازشان یادآور حوادث آن عصر هستند. این ستون‌ها سقف سمت مصلی و قبله را پوشش می‌داد و بقیه به صورت صحن یا حیاط مسجد بدون سقف ماند (ابن نجار، ۱۶۹/۱).

کارکرد دیگر این مسجد پناه دادن به حدود هفتاد تن از بی‌خانمان‌ها و فقرایی بود که پس از هجرت به مدینه جایی برای سکونت نداشتند. بدستور پیامبر(ص) برای سکونت آنان در سمت شمالی مسجد یعنی در قسمتی از حیاط، سایه بان یا «صفه» قرار داده شد. این عده در تاریخ به «اصحاب صفه» معروف شدند (ابن حجر عسقلانی، ۵۹۵/۶).

۲-۳. اقامه نماز در فضاهای عمومی (مصلی اعیاد)

پیامبر(ص) علاوه بر ساخت دو مرکز عبادی یعنی مسجد قبا و مسجدالنبی(ص) کوشیدند تا این فضای معنوی را به سایر نقاط شهر نیز گسترش دهند، به گونه‌ای که در عمل به فرمان الهی یعنی برپایی و در واقع، اقامه نماز، در مناسبت‌های مختلف در هر سال از جمله اعیاد فطر و قربان، یا برای نماز استسقاء (ابن شبه، ۱/۴۳۳؛ ابن حنبل، ۴/۲۳۵) و یا اقامه نماز جمعه از مسجد خارج شده و در محلات مختلف شهر، زیر آسمان به اقامه نماز اقدام می‌کردند (ابن شبه، ۱/۱۳۳-۱۳۹). با این عمل، از یک سو نماز در هر نقطه‌ای کانون و پرتوی از نور معنویت در شهر می‌افکند و از سوی دیگر این مکان‌ها به سبب تقدس نمازگزار آن، به عنوان نشان یا یادبود آن حضرت ماندگار می‌شد، زیرا پس از آن حضرت، خلفا بر جایگاه نماز ایشان نماز گزارند و والی مدینه «عمر بن عبدالعزیز» نیز مأمور شد تا بر هر مصلاً و نمازگاهی که پیامبر خدا(ص) در آن نماز گزارده (سمهودی، ۲/۷۸۵) و یا از چاهی وضو ساخته و یا دعا کرده‌اند بنایی بسازد (جندی المکی، ۱۴/۱؛ ابن شبه، ۳/۸۷۶). اندکی از این مساجد تا عصر حاضر همچنان پابرجا هستند.

۲-۴. پیمان برادری بین مهاجر و انصار و اساس نامه مدینه

یثرب تا پیش از ورود رسول خدا(ص) به این شهر در کشمکش‌های و جنگ‌های داخلی

بین اوس و خزرج قرار داشت. این اختلافات بویژه در برابر یهودیان، آسیب‌های جدی به اقتدار قبایل عرب و نیز به امکانات شهر وارد می‌ساخت و آنان هیچگاه توان آن را نمی‌یافتند تا در درون جامعه خود همبستگی و وحدت اجتماعی پدید آورند. برای برون رفت از این بحران، رسول خدا(ص) دو پیمان نامه مهم دینی و دنیوی برقرار ساخت. پیمان مواخاه یا برادری که میان نود نفر از اصحاب (۴۵ مهاجر و ۴۵ انصار) برقرار گردید (ابن سعد، ۱/ ۱۸۲؛ سهیلی، ۲۴۴/۴) و مسلمانان را باهم برادر و در یاری یکدیگر متعهد می‌ساخت. بر اساس آن، مردم مدینه مهاجران را در خانه‌های خود ساکن ساختند و بر سفره‌هایشان نشاندند و اجازه ندادند برای امرار معاش، خود را به سختی اندازه‌ند. در حقیقت پیامبر(ص) با این سیاست، مدینه را به شهری ایمانی و آرمانی مبدل کرد. از این رو خداوند، آن را «دارالایمان» نام نهاد و ستود: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» (حشر/۹). و رسول خدا (ص) نیز ایمان مردم این شهر را چنین توصیف فرمود: «إِنَّ الْإِيمَانَ لِيَأْرُزُ إِلَى الْمَدِينَةِ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَّةُ إِلَى حَجْرِهَا» (بخاری، ۳/ ۲۱؛ مسلم، ۱/ ۱۳۱) [ایمان به سوی مدینه سرازیر می‌شود همان گونه که مار به داخل سوراخش می‌خزد]. از این رو به پاکی این شهر این گونه شهادت دادند: «إِنَّ الْمَدِينَةَ تَنْفِي خَبْثَهَا وَتَنْصَعُ طَيِّبَهَا» و آن را قبه الاسلام خواندند: «المدینه قبه الإسلام ودار الإیمان وأرض الهجرة ومبتدأ الحلال والحرام» (حمیری، ۱/ ۴۰۱). به همین سبب به گفته آن حضرت ملائکه از این شهر ایمانی حراست می‌کردند: «وعلى أنقاب المدينة ملائكة تحرسها من الطاعون لا يدخلها الطاعون ولا الدجال» (حمیری، همان جا) که بر مبنای پاکیزگی و ایمان شکل گرفته بود: «بلدة طيبة ورب الغفور» (سبا/ ۳۴).

ظاهراً پیامبر برای تحکیم کاربست همبستگی شهری از مفهومی آشنا برای اعراب در تقدس بخشیدن به سرزمین مشترک، که در گذشته در خصوص مکه به دعای حضرت ابراهیم(ع) شاهد آن بوده‌اند بهره برده و از خداوند خواستند تا این شهر را حرم ایشان قرار دهد: «اللهم إن إبراهيم حرم مكة، وأنا أحرم ما بين لابتيها .. وَلَا يُنْفَرُ صَيْدُهَا، وَلَا تُقَطَّعُ مِنْهَا شَجَرَةٌ إِلَّا أَنْ يَعْلِفَ رَجُلٌ بَعِيرَهُ، وَلَا يُحْمَلُ فِيهَا السَّلَاحُ لِقِتَالٍ» (عبدالرزاق صنعانی، ۹/ ۲۶۱؛ ابن حنبل، ۲/ ۲۶۴) [بار خدایا حضرت ابراهیم(ع) مکه را حرم خود کرد و من، مدینه را میان دو سنگ زار حرم خود گردانیدم ... صید و شکاری در آن نمی‌شود، خونی ریخته نمی‌شود، برای جنگ شمشیری در آن حمل نمی‌گردد، درختی در آن بریده و کنده نمی‌گردد، مگر برای تعلیف شتر] آن حضرت میان کوه «عیر» تا کوه

«ثور» یعنی از شمال تا جنوب مدینه (در طول) و بین دو حره شرقی و غربی (در عرض) را حرم خود اعلام فرمود (ابن حنبل، ۲/ ۵۱؛ مسلم، ۲/ ۱۳۷۰). به گفته مالک بن انس، بر اساس این دعای آن حضرت بود که عده‌ای به برتری مدینه بر مکه احتجاج می‌کردند، زیرا رسول خدا(ص) برای مردم این شهر دعایی همانند دعای حضرت ابراهیم(ع) کرده بود و این که «ان یرزقهم الله الثمرات وأن يجعل أفئدة الناس تهوی إلیهم» (مالک، ۵/ ۱۳۰۳). آن حضرت برای افزایش رزق و روزی آنان دعا می‌فرمودند: «اللهم بارک لنا فی ثمرنا، وبارک لنا فی مدینتنا، وبارک لنا فی صاعنا و...» (ابن حنبل، ۱۴/ ۱۰۸؛ مسلم، ۲/ ۱۰۰۰). همچنین از انس بن مالک نقل شده است رسول خدا(ص) می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ بِالْمَدِينَةِ ضِعْفِي مَا جَعَلْتَ بِمَكَّةَ مِنَ الْبِرَّةِ». (بخاری، ۴/ ۲۳؛ مسلم، ۲/ ۹۹۴) و در روایت دیگری آمده که آن حضرت از خداوند خواستند بیماری‌ها و بلاها را از آن دور بدارد و هر گونه بیماری و تب که در آن است به جحفه بیندازد (مالک بن انس، ۹/ ۱). رسول خدا (ص) حتی ترسانیدن مردم مدینه را گناهی نابخشودنی تلقی کرده و بر آن کس که چنین کند لعنت فرستادند: «مَنْ أَخَافَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ أَخَافَهُ اللَّهُ، وَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (ابن هشام، ۲/ ۲۰۷، سهیلی، ۶/ ۲۵۴).

در یترب علاوه بر اعراب، یهودیان نیز زندگی می‌کردند و در طول قرن‌ها میان آنان و اعراب رقابت و اختلاف بود. رسول خدا(ص) با تدبیری همه ساکنان را صرف نظر از دین، نژاد و ملیت، به عنوان یک شهروند تلقی کردند و به انعقاد پیمان نامه‌ای پرداختند که اساس شکل‌گیری جامعه مدنی دینی را شکل می‌داد. این میثاق نامه چهل ماده داشت که حقوق و تعهدات هریک از قبایل و شهروندان اعم از عرب و موالی، مسلمان و یهود، قریش و غیر قریش، مهاجر و انصار را مشخص می‌ساخت. مفاد زیادی از این عهدنامه به تعهدات و وظایف و حقوق یهودیان و قبایل یهودی اختصاص یافته بود (ابن هشام، ۱/ ۳۲۵؛ نسائی، ۴۱/).

۵-۲. پاکسازی شهر از نفاق و خیانت

شهری که بر مبنای ایمان مداری برپا شده است و خلوص ساکنان آن در برپایی مساجد ستوده شده است، نباید اجازه دهد تا عبادتگاه و مسجد به مرکز توطئه و نفاق تبدیل شود. مسجدی که منافعی و ناقض ایمان است و سازندگان آن جز خیانت و تفاخر اندیشه‌ای ندارند و خداوند آن را «ضرار» نامیده است، باید در برابر مسجدی که

سازندگان آن پاک و خالص در راه حق هستند تخریب و حتی سوزانده شود. رسول خدا(ص) بر اساس این فرمان این پایگاه نفاق و توطئه را بر چیدند (ابن نجار، ۱/ ۱۲۹) و نیز پایگاه‌های پیمان شکنان یهود که به عهد نامه مدنی پای بند نبوده و آن را با توطئه و خیانت نقض کردند از جمله قبایل بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه نیز از این شهر ایمانی و اسلامی اخراج گردیدند.

۲-۶. ساخت و ساز ساده و بی‌آلایش بناها

۲-۶-۱. خانه‌های صحابه و پیامبر

از آنجا که سرزمین مکه و مدینه به لحاظ موقعیت جغرافیایی متفاوت بودند، نوع معماری این دو منطقه نیز متفاوت بود. در معماری مکه آنچه بیشتر نمود می‌یافت استفاده از خشت و گل و سنگ در سقف و استحکام بنا از نظر استفاده از سنگ و مصالح محکمی بود که براساس وضعیت اقلیمی مکه و باران‌های سیل آسا و گرمای طاقت فرسا و البته دسترسی فراوان به سنگ در کوه‌های اطراف، صورت می‌گرفت. برخلاف آن، مدینه به سبب هوای نسبتاً مطبوع‌تر و بارش باران منظم‌تر و به ویژه غنای این شهر از نخل خرما که به گفته مقدسی باندازه کمتر از نیمی از مکه، باغها، نخلها، مزارع و چاه‌های گوارا در آن قرار دارد (مقدسی، ۸۰/۱؛ منجم، ۱/ ۲۹) و چوب، ماده و مصالح بیشتر خانه‌ها را شکل می‌داد که در سقف‌ها به کار می‌رفت. پس از ورود رسول خدا(ص) به یشرب و برپایی یک کانون دینی و عبادی یعنی مسجد، آن حضرت برای برخی از مهاجران به تقسیم و توزیع زمین در کنار مسجد پرداخت و با دست مبارک خود برای آنان خطی کشیده و حدود خانه‌هایشان را تعیین کردند تا حلقه وار آن را چون نگینی در بر گیرند (سمهودی، ۲/ ۵۰۸).

آنان (مهاجران مکی) از معماری مدینه در خانه سازی خود تأثیر پذیرفتند و از چوب و نخل و تنه درخت برای زدن سقف‌ها و برای دیوارها نیز از خشت و آجر نسوز (لبن) و سنگ بهره بردند. آنگاه چوب‌هایی تزیین شده بر بالای درب‌ها قرار دادند. عباس، عموی پیامبر (ص) وقتی از بنای خانه اش فارغ شد با صدای بلند چنین سرود: «بیتها باللبن و الحجارة... والخشبات فوقها مطارة... یا ربنا بارک لاهل داره...» و رسول خدا(ص) نیز فرمود: «الهم بارک فی هذه الداره» (سمهودی، ۲/ ۴۹۲).

برای خانه‌های پیرامون مسجد دو درب قرار دادند، یکی دری که به مسجد باز می‌شد

تا آنها را با این مکان مقدس مرتبط سازد و درب دیگری که محل تردد آنان به کوچه و بیرون بود. پس از چندی پیامبر (ص) دستور داد تا تمامی درها جز باب علی (ع) به مسجد بسته شود (ابن حنبل، ۱۵۶/۵؛ ابن مغزلی، ۳۲۲/۱).

آویختن پرده‌هایی از پوست مو و بز بر روی درب خانه‌ها و یا اتاقها معمولاً رسم بود. گاهی نیز پرده‌ای از پارچه بر درب اتاق‌ها آویزان می‌کردند که نوعی تزئین محسوب می‌گردید. نمونه‌ای در دست داریم که حضرت فاطمه (س) بر روی درب اتاقشان پرده‌ای زیبا آویختند و فرشی در کف گسترانیدند، چون رسول خدا (ص) وارد منزل وی شدند اندکی چهره در هم کشیدن و فاطمه (س) که متوجه شد آن را به سرعت برداشتند و به پیامبر (ص) دادند و گفتند تا آن را بین مستمندان تقسیم کنند (سمهودی، ۴۶۸/۱). این رفتار رسول خدا (ص) نشان می‌دهد که سبک زندگی مسلمانان باید سبکی ساده و به دور از هر گونه تجملات و تزیین باشد، چرا که در جامعه مستمندان زیادی هستند که روزگار سختی را می‌گذرانند و مسلمانان نباید نسبت به آنان بی‌تفاوت باشند.

گسترش فضا در سطح و ارتفاع در برخی دیگر از خانه‌ها نیز مورد توجه بود. با این حال برخی از متمولان و کسانی که از وضعیت مالی خوبی برخوردار بودند، برای خود دوخانه بنا می‌کردند، یکی خانه‌ای بزرگ که برای دیدار و پذیرایی از میهمانان قرار می‌دادند و دیگری خانه‌ای که محل سکونت آنان بود، از جمله عثمان بن عفان، در جهت شرقی مسجد، مقابل باب جبرئیل دو خانه متصل بهم داشت، یکی معروف به «دارالکبری» و دیگری «دارالصغری» بود (سمهودی، ۷۳۲/۲).

یکی از مهمترین خانه‌هایی که پس از هجرت بنا شد، متعلق به رسول خدا (ص) بود. آن حضرت پس از سکونت در منزل ابو ایوب انصاری، که البته شش ماه طول کشید، در کنار مسجدشان خانه‌ای برای خود ساختند. سبک ساخت این خانه و اتاق‌ها که نشانی از سادگی، سبکی و پیوند با عبادتگاه یعنی مسجد داشت نیز پیامی از زندگی ساده و اجتناب از زندگی اشرافی و تجملاتی با خود همراه داشت. ابتدا اتاقی برای همسرشان سوده به همان سبک دیوارهای مسجد از خشت ساختند و در آن ساکن شدند. در سال بعد نیز حجره عایشه را بنا کردند و سپس اتاق‌هایی دیگر در کنار آن، همان جایی که اکنون قبر پیامبر (ص) است بدان افزودند.^۱

۱. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به تاریخ و اماکن تاریخی مکه مکرمه و مدینخ منوره تالیف نویسنده مقاله حاضر، تهران، نشر مشعر

این خانه رهبر دینی جدید بود که باید خانه اش را به نحوی طراحی می‌کرد که بتواند در آن بخش‌هایی از وظایف رهبری را علاوه بر وظایف مربوط به زندگی عادی خود به انجام رساند، تا هم برای جامعه و هم برای خانواده اش کاربرد داشته باشد. آن حضرت به دنبال ساخت دارالخلافة و یا قصر نبود بلکه سرپناهی برای آسایش و آرامش خود و همسرانش می‌خواست. منابع تاریخی، از سادگی بی‌نهایت این اتاق‌ها سخن گفته‌اند. گویند چهار اتاق با خشت، که سنگ‌هایی هم در آن به کار رفته بود و چهار اتاق هم بدون سنگ، که پرده‌هایش از مو بافته شده بود در مجاورت هم قرار داشت (سمهودی، همان جا؛ زیعلی الحنفی، / ۹۵). هنگامی که عمر بن عبدالعزیز حاکم مدینه آن حجره‌ها را خراب و در مقبره آن حضرت داخل ساخت، بسیاری از مسلمانان می‌گریستند و می‌گفتند کاش اجازه می‌دادند این خانه‌ها به همان شکل برای آیندگان بماند تا ببینند کسی که کلیدهای خزاین دنیا در دست اوست، چگونه به چند اتاق گلی قناعت کرده است (ابن سعد، / ۴۹۹؛ سمهودی، / ۴۶۰). ابن سعد گفته یک شاهد عینی را نقل می‌کند که ناظر تخریب اتاق‌های همسران پیامبر (ص) در دوران عبدالملک بن مروان بوده و می‌گوید: «من اتاق‌های همسران پیامبر را که از شاخ و برگ درخت خرما ساخته و جلوی درهای آنها پرده‌هایی از موی سیاه بزآویخته شده بود دیده‌ام». او می‌افزاید عبدالله بن یزید نیز قبل از تخریب خانه‌ها به دست ولید آنها را دیده و چنین توصیف کرده است: «چهار حجره با دیوارهایی از گل و کاه (خشت) که شاخه درخت خرما در آن به کار رفته بود و پنج حجره با دیوارهایی که با شاخه‌های گل اندود نخل برپا شده بود. بالای درها پرده‌هایی از پارچه موئین سیاه آویخته بودند که هر ضلع آن سه ذرع طول داشت. ارتفاع سقف‌ها به اندازه‌ای بود که دست به آنها می‌رسید (ابن سعد، / ۱۹۰؛ سمهودی، / ۴۵۹). حجره‌ها با راه باریک و تنگی که به اندازه عبور یک نفر، که از پهلوی حرکت کند به هم مرتبط می‌شد (سمهودی، / ۵۴۲). رسول خدا(ص) نمی‌پسندید در ساخت آن مال زیادی صرف شود. ام سلمه در حجره خود به جای جرید (شاخه نخل) از آجر و خشت نسوز استفاده کرد. پیامبر (ص) وقتی آن را دیدند پرسیدند این برای چیست؟ گفت می‌خواهم چشم مردم را از دیدن خود (خانه ام) بازدارم. پیامبر(ص) فرمود ای ام‌سلمه بدترین راهی که انسان به سوی آن می‌رود خرج کردن مال (زیاد) برای ساختمان و بنا است (عبدالغنی، / ۲۸).

۲-۶-۲. سوق (بازار)

یثرب هنگام ورود پیامبر بازاری در میان قبیله بنی قینقاع داشت که متعلق به یهودیان بود. رسول خدا (ص) تصمیم گرفتند برای مدینه و البته خاص مسلمانان بازار مرکزی قرار دهند. ایشان ابتدا به سوق بنی قینقاع رفته و برگشتند و در پشت مسجد النبی (ص) با اشاره پاشنه پا بر زمین فرمودند اینجا هم سوق شما، آن را باریک و تنگ قرار ندهید (ابن شبهه، ۳۰۴/۱). این تنها بازار عمومی شهر بود که به آن «بقیع الخیل» یا سوق المدینه می‌گفتند.

۲-۶-۳. حمی

در یثرب پیش از اسلام مالکیت مرتع و زمین در قبیله بر اساس اصل تصرف و اقتدار استوار بود. در این دوره بنا به ضرورت حیات بدوی، برخی از مراتع، آبها در قالب سنتهایی چون «حمی» در مالکیت یک قبیله قرار می‌گرفت لذا رسول خدا (ص) برای برای عمومی‌سازی این امکانات، حمی را از مالکیت اختصاصی قبیله خارج ساخته و به عنوان مرتعی برای چریدن اسبان بویژه اسبانی که باید برای جهاد آماده می‌شدند قرار دادند، مثل «النقیع» که آب پاک و زلالی داشت و کسی نمی‌توانست در آن دخل و تصرف و یا درختان آن را قطع کند. از عبدالله بن عمر نقل شده است «ان رسول الله (ص) حمی النقیع لخیل المسلمین ترعی فیه و حمی الریذه الصدقه» (ابن شبهه، ۱۵۵/۱؛ سمهودی، ۳/۲۱۷، ۲۱۹).

۲-۶-۴. حش

در یثرب قبل از اسلام باید به «حش» به معنای باغی مصفا برای نشستن و تفریح صاحبانشان اشاره کرد، مثل حش کوكب. رسول خدا (ص) برای عمومی ساختن این زمینها و استفاده همگانی، توصیه می‌کردند که این حش‌ها و چاههای داخل ان برای عموم وقف شود، لذا برخی از صاحبان این باغها چنین می‌کردند، مثل ابو طلحه انصاری که حش و چاه روجاء را که در پشت مسجد النبی (ص) قرار داشت وقف عام کرد (سمهودی، ۳/۱۲۲؛ ابن شبهه، ۱۶/۱). علاوه بر آن پیامبر (ص) باغها یا زمین‌هایی را که به عنوان فیه یا هدیه بدست می‌آورد برای مصارف عمومی قرار می‌داد از جمله وقتی مخیرق یهودی مسلمان شد باغها و زمینهایش را به رسول خدا (ص) وصیت کرد (ابن

شبهه، ۱۷۳/۱-۱۷۴) و پیامبر(ص) زمینهای او و نیز زمینهای یهودیان تبعید شده را برای عموم صدقه قرار دادند.

۵-۶-۲. میاه و آبار

چاهها نیز که در گذشته در مالکیت افراد و یا قبایل قرار داشت در این دوران عمدتاً کاربردی عمومی یافت. همچنین چاههای جدیدی حفر شد، مثل بئر حاء، رومه، بضاعه، روحاء، اریس، البصه و سقیا، که از طریق این چاهها زمینهای پیرامون آن آبیاری و نخلستانها آباد و یا از آب آن برای آشامیدن بهره می بردند (ابن نجار، ۵۷/۱-۶۲). برخی از آنها را رسول خدا(ص) برای مصارف عموم قرار دادند یا تشویق به وقف آن می کردند از جمله در مورد چاه رومه که متعلق به یک یهودی بود و هیچ قطره آبی از آن به کسی جز در برابر پول نمی داد، آن حضرت تشویق کردند تا کسی آن را خریداری و وقف مردم کند، لذا عثمان در این کار پیشقدم شد و آن را وقف عام کرد (ابن شبهه، ۱/۱۵۲).

۶-۶-۲. دار الشورا

برای مشاوره و رفع مشکلات و مسائل جاری قبایل و ساکنان شهر، مکانهایی به صورت مسقف ساخته می شد تا رؤسای قبایل گردهم آیند و پیرامون آنها به مشورت بنشینند، چیزی مثل شوراها شهری در عصر حاضر از جمله در مکه «دارالندوه» و در مدینه «سقیفه» از این نمونهها است. هر قبیله ای برای خود چنین مکانی در مدینه داشت که چون مسقف بود یا سایبانی داشت آنها را «سقیفه» می نامیدند (سمهودی، ۹۲/۴)، اما یکی از آنها در تاریخ بسیار معروف شد و آن «سقیفه بنی ساعده» متعلق به قوم خزرج که نزدیک بئر بضاعه و در میان خانههای این قوم قرار داشت (سمهودی، ۶۰/۳).

نوع معماری این سقائف چنین بوده است که معمولاً سقیفه های معروف در باغهای مدینه ساخته می شد. دیواری از غرب و سپس دیواری از شرق و نیز دیواری در جنوب، با خشت و آجر نسوز آن را احاطه می کرد. مدخل آن در دیوار شرقی بود و جهت شمالی آن باز می ماند، بدون دیوار، زیرا در تابستان به خنکی داخل سقیفه کمک می کرد. سقف آن نیز به وسیله شاخه های نخل و حصیر پوشانیده می شد و به همین سبب آنها را سقیفه می خواندند. برخی از آنها بزرگ بود و برخی کوچک که به تمکن مالی بنا کنندگان آن بستگی داشت. (عبدالغنی، ۱۱۵).

۳- بناهای دفاعی

۳-۱. خندق

برای حفاظت از شهرها معمولاً سازه‌هایی دفاعی مثل دیوار یا خندق طراحی می‌شود. یکی از سازه‌های شهری مدینه که به هدف حفظ شهر از نفوذ و حمله دشمن در عصر پیامبر (ص) ایجاد شد خندق بود، چون مدینه از شرق تا جنوب و غرب در محاصره حره‌ها یا سنگهای آتشفشانی و سوزان و تیز قرار داشت تنها از سمت شمال آسیب‌پذیر بود، لذا با پیشنهاد سلمان فارسی در غزه احزاب در آن سمت خندقی به طول سه کیلومتر حفر کردند. مسیر خندق به صورت نیم دایره‌ای از غرب به شرق از حره الوبره یا حره غربی در نزدیکی وادی عقیق آغاز و پس از گذر از کوه سلع و ثنیة الوداع به منطقه بنو حارثه در مسیر راه کوه احد می‌رسید و سپس با عبور از میان قبایل بنو عبدالاشهل به منطقه بنو معاویه در نزدیکی حره واقم یا حره شرقی در شرق ختم می‌شد (سمهودی، ۱۰۵/۱). رسول خدا (ص) برای آن که این خندق سریع‌تر حفر شود، هر قسمت را به قبیله‌ای اختصاص داد و در نتیجه در طی ده روز کار شبانه روزی همه مردم مدینه، خندق حفر شد. آن حضرت خود دوشادوش مسلمانان کار می‌کردند و خاکها را از داخل خندق به بیرون منتقل می‌ساختند، به گونه‌ای که خاک بسیاری بر بدنشان نشسته بود (ابن نجار، ۷۷/۱؛ واقدی، ۲/۴۴۰). این پیشنهاد بسیار ارزشمند سلمان باعث شد تا لشکر ده هزار نفری مشرکان در حمله به مدینه زمین گیر شوند.

۳-۲. قلعه (حصن)

در داخل و یا خارج مدینه قلعه‌های بزرگ با دیوارهای مرتفعی برای یک یا چند قبیله وجود داشته که همه از سنگ ساخته شده بود. این گونه قلعه‌ها را صرفاً یهودیان می‌ساختند. مثل قلعه‌های بنی نضیر، بنی قینفاع و بنی قریظه که در سمت جنوب مدینه ساخته شده است. البته قلعه‌های کوچکتری که داخل این قلعه‌ها بوده مثل مصعب، زبیر و ابی الحقیق (واقدی، ۳/۶۴۷) یا قلعه‌های دیگری در میان اعراب متعلق به یک قبیله یا خاندان مثل بنی حارثه، مالک بن عوف و غیره (ابن حزم، ۱۵۰/۱). این قلعه‌های بزرگ علاوه بر خانه‌های یهودیان بوده که به صورت شبه قلعه ساخته می‌شده و آنها را که از سنگهای کوهی و مستحکم می‌ساختند «أطم» می‌نامیدند. بیشتر یهودیان برای امنیت خود در آنها زندگی می‌کردند. برخی از یهودیان اطم‌های بزرگی می‌ساختند

که حالتی چون قصر و قلعه بزرگ داشته است مثل کعب بن اشرف. وقتی یهودیان از مدینه اخراج شدند مسلمانان می‌خواستند آطام آنان را تخریب کنند اما رسول خدا(ص) اجازه ندادند و فرمودند اینها زینت مدینه هستند (بکری، ۱/ ۴۱۷). از آن پس برخی از قبایل عرب مسلمان نیز به تقلید از آنها اطم‌هایی ساختند مثل بنی ضحیان، جذمان و... (همدانی، ۱/ ۱۲۴؛ ابوبکر حازمی، ۱/ ۳۹۷) که همه اینها نشان از دغدغه آنان برای امنیت خود داشته است.

نتیجه

ساختار شهر مدینه و ویژگی‌های آن در عصر رسول خدا(ص) را شاید بتوان در برخی از جهات به عنوان الگوی شهر اسلامی مورد توجه قرار داد. مسجد در مرکز شهر به عنوان مکان عبادت و محل اجتماعات چون نگینی در وسط شهر قرار گرفت و آن حضرت با کشیدن خط‌هایی به تقسیم زمین‌ها و توزیع فضا برای احداث بنا و خانه‌های مهاجران پیرامون آن پرداختند تا حیات دنیوی آنان را به این مرکز دینی پیوند زنند. آن حضرت کوشیدند این شهر را که در گذشته با مفاهیم و آموزه‌های جاهلی شکل گرفته بود به شهری با ساکنانی اهل ایمان، که همه آنان با هم برادر دینی و امت واحده را شکل می‌دهند تبدیل کنند. اقامه حقیقی نماز در جای جای شهر تحت عنوان «مصلی‌الاعیاد» نشان از تلاش آن حضرت برای معنوی بخشی به سیمای شهر بود. با این وجود رسول خدا(ص) هرگز این شهر را فاقد جنبه‌های دنیایی نساخت. وجود اماکن عمومی و مفرح مثل «حش» یا بستان به همراه چاههایی که وقف عام کرده بودند و «حمی» یا مرااتعی که برای چریدن اسبان قرار داده بودند وجود بناهای دفاعی چون خندق برای حفظ امنیت شهر نشان از توجه همسان به این بعد از شهر نشینی داشت. سادگی معماری بناهای آن که فاقد هر گونه پیچیدگی‌های خاص و تزئین و زیبا سازی و به عبارتی اسراف و تجمل‌گرایی و برجستگی اشرافی بود بویژه در ساخت مسجد و حجرات و خانه رسول خدا(ص) و صحابه که می‌تواند امروزه الگویی عالی برای شهر اسلامی و سبک زندگی تلقی شود از دیگر ویژگی‌ها و مولفه‌های ساختار شهری مدینه بود.

منابع

ابن جوزی، جمال الدین أبو الفرج، *مثیر العزم الساکن إلی أشرف الأماکن*، تحقیق: مرزوق علی إبراهیم، بیروت، دار الراية، ۱۴۱۵ق.

- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری. التزام عبدالرحمان محمد، بیروت، داراحیاء. ۱۴۰۸ ق.
- ابن حجر هیثمی، نورالدین علی، موارد الزمان الی زوائد ابن جبان، حقه محمد عبدالرزاق حمزه، بیروت، دارالکتب العلمیه. بی تا.
- ابن حنبل، ابو عبدالله احمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق شعیب الأرنؤوط، عادل مرشد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
- ابن حزم اندلسی، أبو محمد علی بن أحمد، جوامع السیرة وخمس رسائل أخرى، تحقیق إحسان عباس، دار المعارف، مصر، ۱۹۰۰ م.
- ابن سعد، أبو عبد الله محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
- ابن شبه نمیری، ابوزید عمر، تاریخ المدینة المنوره، حقه فهیم محمد شلتوت، بیروت، دارالتراث، ۱۴۱۰ ق.
- ابن شمائل قطیعی البغدادی، عبد المؤمن بن عبد الحق، مرصد الاطلاع علی أسماء الأمکنة و البقاع، بیروت، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ابن فارس قزوینی، أبوالحسین، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دارالفکر، ۱۳۹۹ ق.
- ابن قیم جوزی، عبدالرحمن، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۲ ق.
- ابن مغزلی، علی بن محمد بن محمد، مناقب أمير المؤمنين علی بن أبی طالب رضی الله عنه، تحقیق أبو عبد الرحمن ترکی، صنعا، دار الآثار، ۱۴۲۴ ق.
- ابن نجار، حافظ بن محمود، اخبارمدینة الرسول، تحقیق صالح محمد جمال، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۰۱ ق.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، السیرة النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره. ۱۳۵۶ ق.
- ابن وردی البکری، سراج الدین، خریده العجائب وفریده الغرائب، تحقیق أنور محمود زنتی، قاهره، مکتبه الثقافه الإسلامیه، ۱۴۲۸ ق.
- ابوحاتم رازی، أبو محمد عبد الرحمن، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق أسعد محمد الطیب، السعودیه، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
- ادریسی، محمد بن محمد بن عبد الله، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ ق.
- امین کردی، عبیدالله محمد، مکه و مدینه، تصویرى از توسعه و نوسازى، ترجمه حسین صابری، تهران، مشعر. ۱۳۸۰ ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مصر، احیاء کتب السنه، ۱۴۱۰ ق.

- براند، روبرت هیلن، معماری اسلامی. شکل، کارکرد، معنی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران روزنه. ۱۳۸۳ش.
- بکری، أبوعبید عبدالله بن عبد العزیز، معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع، عالم الكتب، بیروت، الطبعة الثالثة. ۱۴۰۳ق.
- همو، المسالك و الممالک، دار الغرب الإسلامی، مغرب، ۱۹۹۲م.
- بوکهارت، تیتوس، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش، ۱۳۶۵ش.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعة، بیروت، دارالکتب العلمیة ۱۴۰۵ق.
- پاپادوپولو، معماری اسلامی، ترجمه حشمت جزنی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸ش.
- جندی المکی، مفضل بن محمد، فضائل المدینة، قم، بی‌نا، ۱۳۸۷ش.
- حمیری، أبو عبد الله محمد بن عبدالله، الروض المعطار فی خبر الأقطار، تحقیق إحسان عباس، مؤسسة ناصر للثقافة، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۹۸۰م.
- حموی، شهاب الدین أبو عبدالله یاقوت، معجم البلدان، دار صادر، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۹۹۵م.
- خیاری، احمد یاسین، تاریخ المعالم المدینة المنوره حدیثا او قدیما، مدینة، الامانه العامه للاحتفال، ۱۹۹۹م.
- زیعلی الحنفی، عبدالله بن یوسف، نصب الراية لاحادیث الهدایة، بیروت، عالم الكتب، ۱۴۰۸ق.
- سمهودی، ابوالحسن علی، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، حققه محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعة السعادة، ۱۳۷۴ق.
- سهیلی، أبو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله، الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة، تحقیق عمر عبدالسلام السلامی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- سعید بن سلام. المدینة المنورة فی القرن الرابع عشر الهجری، مدینة المنوره، بی‌نا، بی‌تا.
- شافعی، أبو عبدالله محمد بن إدريس، المسند، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- شوازی، اگوست، تاریخ معماری، ترجمه لطیف ابوالقاسمی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- لمعی، مصطفی صالح، المدینة المنورة تطورها العمرانی و تراثها المعماری، بیروت، دارالنهضة، بی‌تا.
- صنعانی، ابوبکر عبد الرزاق بن همام، المصنف فی الاحادیث و الآثار، تحقیق، حبیب الرحمن الأعظمی، المجلس العلمی، الهند، ۱۴۰۳ق.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الكبير، تحقیق، حمدی بن عبد المجید، مکتبه ابن تیمیة، قاهره، بی‌تا.
- عبدالغنی، محمد الیاس، بیوت الصحابه حول المسجد النبوی الشریف، مدینة، مطابع الرشید، ۱۴۲۴ق.
- فیروزآبادی، مجدالدین أبوظاهر، القاموس المحيط، بیروت، مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۶ق.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد وأخبار العباد، بیروت، دار صادر، بی تا.
قائدان، اصغر، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره. تهران، مشعر. ۱۳۸۴ ش.
مالک بن انس، الموطأ، تحقیق، محمد مصطفی الأعظمی، مؤسسة زاید بن سلطان، امارات،
۱۴۲۵ ق.

متقی الهندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن و الاقوال و الافعال ، بیروت، مؤسسه الرساله،
۱۴۰۹ ق.

مسلم، امام محمد، الصحيح، بشرح النووی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
مقدسی، أبو عبدالله محمد، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، قاهره، مكتبة مدبولی، الطبعة
الثالثة، ۱۴۱۱ ق.

منجم، اسحاق بن الحسین، آكام المرجان فی ذكر المدائن المشهورة فی كل مكان، بیروت، عالم
الكتب، ۱۴۰۸ ق

نسائی، ابو عبد الرحمن أحمد بن شعيب، السنن، تحقیق، عبد الفتاح أبوغدة، مكتب المطبوعات
الإسلامية، حلب، الطبعة الثانية، ۱۴۰۶ ق.

همدانی الحازمی، أبو بكر محمد بن موسى، الأماكن أو ما اتفق لفظه وافترق مسماه من الأمكنة،
تحقیق حمد بن محمد الجاسر، بیروت، دار الیمامة للبحث و الترجمة و النشر، ۱۴۱۵ ق.

